



راز جنگل

ایمان گودرزی

روزنامه‌نگار

از زمانی که شایعات حضور ریکاردو ساینیتو به استقلال وجود داشت وقتی ویدیوهای او را روی نیمکت تیم های سابقش می دیدیم یک وجه اشتراک بین همه تصاویر دیده می شد، آن هم بی اعصاب بودن مرد پرتغالی بود.

شاید خود ریکاردو هم فکرش را نمی کرد این شور و هیجان و اعصاب نداشتن او بتواند یک تاکتیک جدید به لیگ یک کشور اضافه کند؛ «اگر ساینیتو را بردیم که هیچ، نبردیم نیمکت روی اعصابش برود تا اخراج شود!» بله این تاکتیک جدید تیم های ایرانی در لیگ بیست و دوم هنگام تقابل با استقلال است. شروع این تاکتیک جذاب را می توان از هفته ششم و بازی استقلال

می شود. از آنجا که تمام افراد حاضر در فوتبال ایران خود را «بزرگوار» می دانند، کمی کلمات خارجی که البته خیلی بدتر از آنها به زبان فارسی در فوتبال وجود دارد، آزرده خاطرشان کرده و به دنبال این هستند که چپ و راست محرومیت ساینیتو را بیشتر کنند. به هیچ وجه تمام کارهای ساینیتو مورد تأیید نیست اما چطور زمانی که بازیکنان و سرمربیان داخلی القابی مثل

سیرک روی لیگ تان می گذاشتند رگ غیرت و فوتبال ایران دوستی شما بالا نمی زد که حالا با تبدیل شدن سیرک به جنگل بیابانه ها را از زمین و آسمان صادر می کنید؟ بیا باید این واقعیت را بپذیرید که فوتبال ما همیشه همین بوده فقط شما مدل بهانه پیدا کردن تان برای باخت ها و از دست ندادن موقعیت و شغل تان با آمدن ساینیتو کمی تغییر کرده.

بازگشت به کورس بعد از انتخاب دوراهی درست

هومن جعفری

روزنامه‌نگار

اینکه استقلال از شکست دقیقه آخر مقابل سپاهان و هشت امتیاز اختلاف با صدر جدول، برسد به چهار برد بی دری و صفر کردن اختلافش با رقیب، نکته کم اهمیتی نیست. حد فاصل همین دو اتفاق، استقلال می توانست ساینیتو را کله کند، یزدانی را آزاد نکند، یک مربی موقت بگذارد بالای سر تیم و بیفتد دنبال آزاد کردن قلعه نویی یا آوردن یک مربی خارجی دیگر و در نهایت رنگ رویای قهرمانی را هم نبیند.

استقلال اما ثبات انتخاب کرد. ساینیتو با وجود اختلافاتش با مدیرعامل، حفظ شد. یزدانی را حتی با وجود فشار رسانه های و هواداری، بیرون نکردند. ریسک بزرگی که آرامش را به تیم برگرداند. تیم به مسیرش ادامه داد. استقلال به سمتی رفت که باید.

حذف یزدانی، چند بازیکن کم اثر تیم را به خودشان آورد طوری که موتور نهایی تیم بسوزد روشن شد. حالا استقلال نان نکه داشتن مربی و حذف کردن بازیکنش را می خورد. تیم از همیشه بهتر بازی می کند. تیم از همیشه روی فرم تر است و بازیکنان از خود نشان می دهند. بیشتر از خود نشان می دهند. استقلال حالا دوباره خودش را به کورس تحمیل کرده و این اتفاق مبارکی است. لیگی که سه مدعی درجه یک داشته باشد، لیگ تماشایی تری خواهد بود. به همان اندازه که روی فرم برگشتن استقلال خبر خوبی است، افت تدریجی و مقطعی پرسپولیس خبر بدی است. لیگ سپاهان و سرخابی ها را کنار هم نیاز دارد. تراکتور و گل گهر هم کنار دستشان!

استقلال در بازی های آینده چه خواهد کرد؟ صدر را خواهد گرفت؟ مشکلات مالی را مدیریت خواهد کرد؟ کیفیت فنی را افزایش خواهد داد؟ برای پاسخ به این سوالات باید کمی صبر کنیم. نکته مهم این است که استقلال دوباره به کورس بازگشته و این خبر خوبی است.



وقتی یحیی به فلسفه قهرمانی پشت کرد

پایان پرسپولیس برانکو!

سعید زاهدیان

روزنامه‌نگار

کافیست در اینترنت سرچ کنیم هت تریک قهرمانی؛ حتماً لا به لای خیرها این اسامی را می بینیم: «علیرضا بیرانوند، حسین کنعان، اداگان، شجاع خلیل زاده، رامین رضاییان، مهدی شیری، محمد نادری، سیدجلال حسینی، امید عالی شاه، سروش رفیعی، بشار رسن، احمد نوراللهی، کمال کامیابی نیا، محسن ربیع خواه، سیامک نعمتی، وحید امیری، مهدی عبدی، علی علیپور، مهدی ترابی، فرشاد احمدزاده، حسین ماهینی...»

این اسامی ناخودآگاه ذهن ها را می برد به سمت پرسپولیس رویایی برانکو؛ تیمی بزرگ و باشکوه. وقتی برانکو رفت، این تیم با اندکی تغییر تحول گابریل کلدرون شد. مرد آرژانتینی پیش از ترک ایران، با همین نفرت پرسپولیس را قهرمان نیم فصل تحویل یحیی گل محمدی داد. یحیی از نیم فصل ۹۹-۹۸ روی نیمکت پرسپولیس نشست و بی آنکه تغییری در ترکیب و شیوه بازی پرسپولیس ایجاد کند، با این تیم قهرمان لیگ شد.

برای فصل ۱۴۰۰-۹۹، سرمربی پرسپولیس بازیکنان جدیدی خرید. نفرت جدیدی با فلسفه بازی پرسپولیس زود هماهنگ شدند و سعید آقایی، احسان پهلوان، میلاد سرلک، عیسی آل کثیر و... جای بازیکنان جدا شده را پر کردند ولی به فلسفه بازی برانکو - که بر پرس شدید و نفوذ از کناره ها با مدافعان کناری و وینگرها پایه گذاری شده بود - آسیبی وارد نشد. حفظ شاکله اصلی و پایبندی به فلسفه بازی تیم قهرمان، باعث شد تا پرسپولیس که برای ۴ فصل متوالی جام را به هیچ تیمی نداده بود، در سال پنجم هم قهرمان شود.

اما بحران از همین جا شروع شد؛ جایی که یحیی گل محمدی در امتداد خریدهای قبلی پرسپولیس را با تغییر بیشتری وارد لیگ کرد و ریتیم و شیوه بازی پرسپولیس به نسبت قبل تغییرات زیادی داشت؛ با اینکه پرسپولیس چندان با تیم سال های قبل تفاوت نداشت و همچنان در زمین نمایش های خوبی داشت، اشتباهات یحیی گل محمدی در اعتراض به داوران و محرومیت او در مقاطع حساس باعث شد تا فرهاد مجیدی و استقلال از این فرصت استفاده کنند و در کورس قهرمانی از پرسپولیس سبقت بگیرند. فصل گذشته، تفاوت استقلال و پرسپولیس تنها در رویکرد مربیان بود؛ فرهاد مجیدی همان شیوه

موفق و جذاب استراماچونی را با همکاری گابریل پیرن جلوردا اما یحیی برای اینکه هر هفته حریفان را با دست گرفته داشته باشد، مدام دست به تغییر در ترکیب و شیوه بازی خود زد. در نهایت پرسپولیس با اشتباهات یحیی نتوانست جام ششم را ویرترین افتخاراتش اضافه کند. به نظر می رسد یحیی گل محمدی که به شدت تحت فشار بود، برای رهایی از انتقاداتی که متوجه او شده بود، دست به انقلابی بزرگ زد و بازیکنان زیادی را در لیست مازاد گذاشت. خدا حافظی با دستیارانی که برای بردن دو جام به او کمک کرده بودند از دیگر تصمیمات اشتباه یحیی بود. حتی اگر باشگاه برای ادامه همکاری چنین شرطی پیش روی یحیی گذاشته باشد، بازهم پذیرفتن چنین موضوعی یعنی پشت کردن به اصول حرفه ای مربیگری. باشگاه برای یحیی در نقل و انتقالات سنگ تمام گذاشت و با تمام خواسته های او موافقت کرد. از مهم ترین اتفاقات ابتدای فصل، جدایی رامین رضاییان بود که حالا در سپاهان می درخشد. یحیی

برای پر کردن خلأ رامین سراغ دانیال اسماعیلی فر رفت یا سعید صادقی را به جای احسان پهلوان گرفت. او به بازیکنان قبلی کمتر اعتماد کرد و تیمی را در فصل جدید به زمین فرستاده که شاکله اش را خریدهای خودش تشکیل می دهند. تیم امسال هیچ گاه به مرز هماهنگی ۴ سال قبل نرسیده و همچنان موزون و یکدست نیست و یحیی به رغم خریدهای فراوان نتوانسته تیم بزرگ و باشکوهی شکل دهد.



شگفتی بزرگ با مسعود

آیسان سعیدی

روزنامه‌نگار

شگفتی بزرگ هفته را ساکت الهامی و بازیکنانش رقم زدند و پرسپولیس را با گلی دیرهنگام از تیم نسفگیر و جنگنده ای نشان داده. غیر یکی دو بازی، در عمده شکست هایش اختلافی بیش از یک گل نداشته! در عمده بازی ها هم نتیجه نهایی با همین یک گل اختلاف رقم خورده. حالا برد و باختش به کنار!

هوادار بازی را فیزیکی و فنی پیش می برد. هم بازیکنان با تجربه حضور در تیم های قوی تر را دارد، هم بازیکنان جوان و هم یک کادر فنی که حاشیه و فنی را خوب میکس می کند. بیخود نیست آنها هشتم جدول هستند و دل نگران سقوط نیستند. آنها بازی لیگ را از خیلی تیم های دیگر بهتر بلدند. نتیجه همین بهتر بلد بودنشان می شود جایگاهی که در جدول دارند و امتیازاتی که کسب کرده اند که همین حالا نیمی از تیم های لیگ حسرتش را می خورند و آرزویش را دارند.

مقابل پرسپولیس، هوادار توانست بازی را آنگونه که باید مدیریت کند و در نهایت سه امتیاز طلایی را به دست بیاورد. حضور مسعود شجاعی و بار بالای تجربه او را هم نباید نادیده گرفت. شجاعی شاید سن و سالی رد کرده باشد اما برای تیمی مثل هوادار نعمتی بی دریغ است.



عدم تعادل بین هزینه و فایده

این تیم را برای قهرمانی امیدوار کرده اما حالا و پس از گذشت تنها ۲۰ هفته از رقابت ها در رتبه چهارم جدول قرار دارند.

در حقیقت میان هزینه و فایده در این تیم هیچ تعادلی برقرار نیست. تیمی که با این همه ستاره باید در صدر جدول حضور داشته باشد، با اشتباهات پیاپی در رتبه چهارم قرار گرفته.

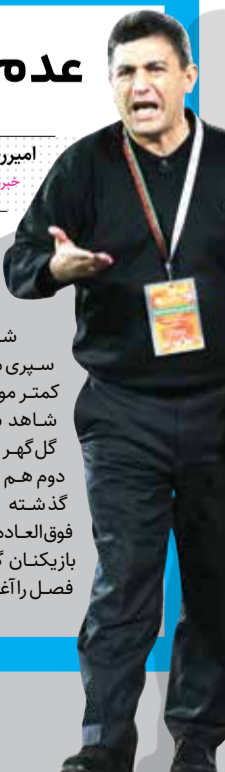
شاید هم گل گهر مدل ۲۲ لات کوچه خلوت است که تنها مقابل تیم های ته جدولی شیر است و هیچ برنامه ای برای رقابت با تیم های بزرگ ندارد، موضوعی که اگر گل گهر آن را حل کند، مشکلی برای حضور در کورس قهرمانی مسابقات نخواهد داشت.

فصل بیست و دوم گذشت، عرصه برای گل گهر تنگ تر شد، به گونه ای که عملکرد این تیم را هم تحت تأثیر قرار داد و سبب شد نتایج عجیبی برای این تیم رقم بخورد. یکی از نکات عجیب گل گهر در فصل جاری عدم تعادل در بازی های این فصل است، به گونه ای که آنها توان مقابل با تیم های بالای جدول را ندارند و تنها مقابل تیم های پایین جدول به برتری می رسند؛ آنچه می تواند در بزنگاه های مهم برای گل گهر گران تمام شود و آنها را از جمع مدعیان قهرمانی لیگ برتر دور کند. سیرجانی ها یکی از پرهزینه ترین تیم های فصل جاری محسوب می شوند؛ هزینه هایی که طرفداران

امیررضا همایون

خبرنگار

گل گهر در فصل جاری با هدایت امیر قلعه نویی شرایط عجیبی را سپری می کند. شرایطی که کمتر مواقع از تیم های امیر شاهد بودیم. گل گهر در فصل بیست و دوم هم به مانند سال های گذشته با سرمایه گذاری فوق العاده و به خدمت گرفتن بازیکنان گرانقیمت و نامدار فصل را آغاز کرد اما هرچه از



قبل اتفاقاتی برای پرسپولیس رقم زدند که هنوز اثرات آن در تیم مشهود است. در حال مهاجم چه بود و چرا در دقایق پایانی بازی مستقیم در دستور کار قرار گرفت در حالی که تیم به مهاجم سرزن نیاز داشت. شیخ دیاباته نباید تعویض می شد و مهاجم برزیلی که به تیم اضافه شده هم باید از همان ابتدا وارد زمین می شد. عیسی آل کثیر اقتضاح بود و مشخص نیست به چه دلیل این بازیکن دوباره جذب پرسپولیس شده. تعجب من از بازیکنان تیم است که آیا می دانند در چه تیمی بازی می کنند و پیراهن چه تیمی را به تن دارند؟ آیا پول هایی که صرف خرید آنها شده به اندازه ارزششان است؟ فرهاد فرجی به چه دلیل باید از میانه زمین به گلر پاس بدهد؟ چرا توپ را به اوت نزد وقتی مسیر بسته بود؟ فرجی باید تنبیه شود چون مقصر این شکست بود و اشتباه محرز کرد. مشخص بود پرسپولیس آرامش نسبی را در اختیار ندارد. حاشیه کم بود ولی تیم از لحاظ روحی و روانی مشکل داشت. در هفته های قهرمانی باقی بماند.

باخت به خود

محسن ذاکری

روزنامه‌نگار

شکست پرسپولیس مقابل هوادار در حقیقت شکست به خود بود. پرسپولیس این بار به خودش باخت و داوری را مربی تیم حریف و لجن بازی در کار نبود که بشود، عدم پیروزی را گردن آنها انداخت.

یحیی گل محمدی باید پاسخگو باشد. پرسپولیس مقابل هوادار ۳ امتیاز حساس را از دست داد و فوتبال خوبی را از پرسپولیس ندیدیم. بازی با تیم هایی که به دنبال آن هستند تا خیالشان از بقا آسوده شود سخت تر است.

پرسپولیس وقتی با حریفان خود بازی می کند، باید با این تصور وارد زمین شود که یک گل از حریفش عقب است تا پس از رسیدن به گل نخست به دنبال بردن خود باشد. در حضور هواداران بدون مشکل داوری پرسپولیس نتوانست به حریف خود گلی بزند. ارنج پرسپولیس غلط